

علّامه محمد اقبال

چه دُشوار است که شاعری بخواهد به مَدِ سُخن ملتی مایوس و دل مردو را به مقاومت وتلاش در راو آزادی خویش برانگیزدا

محمد اقبال لاهوری، در قرن بیستم، هدفی چنین بُزرگ و شریف برای خود برگزیده بود و می‌کوشید روح استقامت و نیروی حیات و حرکت را در ملت خویش بدَمَد و آنان را به آزادی خواهی و استقلال طلبی مُصمم گرداند. از این رُو، شعر او القاء پویایی و نهضت و جنبش و تپش است و این مفهوم را به صور گوناگون طرح می‌گند.

وقتی همگان را به نهضت و کوشش و همت دعوت می‌گند، شعرش از حیث مضمون و ترکیب الفاظ و موسیقی کلام، زنده و پُرتوان و هیجان انگیز می‌شود و خون را در رگها به جوش می‌آورد. می‌خواهد همان شور و شوق و سُوزی را که در سینه دارد، در دل دیگران برافروزد، مردمی بیدار و گوشنده و آزاد تربیت نماید.

آرزوی اقبال آن بود که ملت او خود سرنوشیشان را تعیین گنند نه استعمار گران. اقبال به همه مردم ستم زد و شرق توجه دارد و مخاطب وی همه آنان هستند. او در غم همه مسلمانان و همه اسیران استعمار است. دعوت او مُبتنی است بر باز شناختن اسلام و تکیه بر آینین یزدان.

اقبال در صدیبود در ملت افسرده و خود باخته شبے قازه هند، رُوحی نوبه ماند و آنان را از خواب غفلت بر خیز آند. او شعرهای همت انگیز گرایی ملت خود بسیار سروده است. او شاعر را در سینه ملت چون دلی تپنده می‌دید. از این رُونام پاد وی در نزد ملت پاکستان و مردم منشرق زمین و فارسی زبانان پس از اونیز گرامی است و آوازه اش رُوبه افزونی.

(دکتر غلام حسین یوسفی: چشمۀ روشن)

فرهنگ

مُقاومت	:	جدوجہد۔
تلاش	:	کوشش، سعی و عمل۔
برانگیزد	:	(مصدر: برانگیختن : ابھارنا) فعل مضارع، ابھارے۔
قرن	:	صدی۔
القاء	:	کسی کے دل میں کوئی بات ڈالنا۔
پویاپی	:	بھاگ دوڑ، حرکت و عمل۔
نهضت	:	تحریک۔
صور	:	صورت کی جمع، شکلیں۔
طرح می گند	:	(مصدر: طرح کردن: پیش کرنا) فعل حال، وہ پیش کرتا ہے۔
ہمیگان	:	تمام، سب
پرتواں	:	(بُر+توان) توانا، قوت سے معمور۔
ہیجان انگیز	:	ولولہ انگیز۔
گوشنده	:	(گوش + ندہ) اسم فاعل، جدوجہد کرنے والا۔ (گوشیدن مصدر) -
سرنوشت	:	قسمت، مقدار۔
سبتني	:	سبتني۔
باز شناختن	:	پہچان، آگاہی۔
تکيه	:	بھروسہ، سہارا۔
يزدان	:	الله تعالیٰ۔
خود باختہ	:	اسم مفعول، خود کو ہمار جانے والی۔
برخیز آند	:	(مصدر: برخیز اندن: اٹھانا، جگانا) فعل مضارع، جگائی، اٹھائی۔
تپنده	:	(تپ + ندہ: اسم فاعل) دھڑکنے والا پر جوش۔ (تپیدن ، مصدر) -
از این رو	:	اس وجہ سے۔
افزونی	:	اضافہ۔
آوازہ	:	شهرت۔

تمرین

- ۱- علامہ اقبال برای چہ می کوشید؟
- ۲- وقتی همگان را به نہضت و کوشش وہمت، دعوت میکرد شعرش چگونہ بودند؟
- ۳- اوaz شعرش چہ می خواست؟
- ۴- آرزوی اقبال چہ بود؟
- ۵- اقبال در صدد چہ بود؟
- ۶- مندرجہ ذیل افعال کون سے ہیں؟ ان کے مصادر، گردانیں اور ترجمہ لکھیے:
برانگیزد۔ می کوشید۔ سروده است۔ دعوت می کند۔ گرداند۔
- ۷- مرکبِ اضافی اور توصیفی الگ الگ لکھیے:
راہ آزادی۔ شعر اُو۔ مردم ستم زده۔ اسیران استعمار۔ ملت افسرده۔
- ۸- واحد سے جمع اور جمع سے واحد بنائیے:
شاعر۔ سخن۔ آنان۔ صور۔ رگہا۔ دیگران۔ اسیران۔ ملت۔

